

نظریه‌های ضمنی خرد در ایران؛ بررسی پدیدارشناختی

Implicit theories of wisdom in Iran: A phenomenological study

رسول کرد نوقابی / دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

Rasoul Kordnoghahi (Associate Professor, Department of Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan)

آرزو دلفان بیرونوند* / کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

Arezou Delfan Beyanvand (Masters in Educational Psychology, Bu-Ali Sina University, Hamedan)

Abstract

In this study, the implicit theories of wisdom -that is lay people's views on wisdom- were addressed. The present study was conducted in terms of qualitative approach and phenomenological type, and the instrument used to collect the data was structured interview with which 92 subjects were interviewed. Participants' mean age was 42.66 year and ranged between 20 and 78 years. Interviews, with permission of the

چکیده

در این پژوهش، به بررسی نظریه‌های ضمنی خرد، یعنی دیدگاه مردم عادی درباره خرد، پرداخته شده است. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کیفی و از نوع پدیدارشناسی انجام شده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه ساختاریافته بوده است که به همین منظور با ۹۲ نفر از مردم مصاحبه شد. میانگین سنی نمونه ۴۲/۶۶ سال و دامنه سنی آنها بین ۲۰ تا ۷۸ سال بود.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵ / ۰۲ / ۲۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵ / ۰۵ / ۰۶.

* arezou.delfan14@gmail.com

participants, were recorded and transcribed on paper and were analyzed using Colaizzi method. Results showed that based on people's definition of wisdom, 5 basic concepts can be extracted as the components of wisdom which include cognition, empathy/support, knowledge/flexibility, self-determination/self-expression, and religiousness. Results indicated that participants introduced father more (in family level) as the wise person who has been influential in their life, and in the next orders mother and close relatives got the largest percentage, suggesting that most of the people identified as wise were in the family class. Results indicated that the characteristics of and reasons for being wise can be classified into seven categories (personality characteristics, communication, leadership, thinking, knowledge, religiousness, and family). Thus, people's views on the concepts of wise and wisdom affect various aspects of their life and how they think and behave when facing life events.

Keywords: The definition of wisdom, Wise, Features of wisdom, Explicit theories, Implicit theories of wisdom

مصاحبه‌ها با کسب اجازه از افراد ضبط و روی کاغذ مکتوب شد و با استفاده از روش کلایزی تجزیه و تحلیل گردید. نتایج نشان داد پنج مفهوم اصلی را می‌توان از تعریف خرد از نظر مردم به عنوان مؤلفه‌های خرد استخراج کرد که شامل شناخت، همدلی/حمایت، دانش/انعطاف‌پذیری، خودتعیین‌گری/ابراز وجود و دین‌مداری می‌شود. نتایج نشان داد افراد شرکت‌کننده بیشتر پدر (در طبقه فامیل) را به عنوان خردمندی که در زندگی آنها تأثیرگذار بوده معرفی کردند و در مرتبه‌های بعدی مادر و اقوام نزدیک بیشترین درصد را به خود اختصاص دادند که می‌توان گفت بیشتر اشخاص خردمند معرفی شده از سوی شرکت‌کنندگان در طبقه فامیل قرار داشتند. نتایج نشان می‌دهد ویژگی‌ها و دلایل خردمندبودن را می‌توان به هفت طبقه (ویژگی‌های شخصیتی، ارتباط، رهبری، تفکر، علم، دین‌مداری، خانواده) تقسیم کرد. بنابراین، دیدگاه مردم درباره مفهوم خرد و خردمندی ابعاد مختلف زندگی آنها و نحوه تفکر و رفتار افراد را در مواجهه با رویدادهای زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تعریف خرد، خردمند، ویژگی‌های خرد، نظریه‌های صریح (آشکار)، نظریه‌های ضمنی خرد.

مقدمه

مفهوم خرد، خردمندی و علاقه به مطالعه آن تقریباً به قدمت نوع بشر است. «خرد»، «خردمندی» و «خردمند» واژه‌هایی آشنا برای مردم در اغلب فرهنگ‌ها است. این مفهوم، تاریخی طولانی در ادبیات، فلسفه و دین دارد و جزء معدود اصطلاحات تخصصی روان‌شناسی است که هر فرد معمولی و بدون تحصیلات و مطالعات خاص می‌تواند نظری درباره آن داشته باشد. اما در روان‌شناسی، مطالعه خرد با پیشرفت و ظهور روان‌شناسی جدید همراه بوده است. برای نمونه، هال^۱ (۱۹۲۲) اولین روان‌شناسی بود که مفهوم خرد را بیان کرد. هال نشان داد رشد خرد با نگرش فکری، آرامش فلسفی، انصاف و اخلاق در بزرگسالی مرتبط است (استاندینگر^۲ و گلاک^۳، ۲۰۱۱).

در آثار اولیه روان‌شناسی، خرد به عنوان نقطه ایدئال پیشرفت انسان مطرح شده است. در سنت فرهنگ‌های شرق و غرب (یانگ^۴، ۲۰۰۱) خرد مفهومی چندوجهی است که به عنوان موضوع‌های مختلفی چون دانش، هیجان، خودتنظیمی، انگیزش، کارکرد اجتماعی و اخلاق و همچنین ارتباط پیچیده بین این جنبه‌ها در نظر گرفته شده است. بسیاری از مذاهب و مکاتب فلسفی درک خرد و دستیابی به آن را هدفی مهم در زندگی می‌دانند. خرد از نظر دانشمندان علوم اجتماعی با تسلط موفقیت‌آمیز بر آخرین مرحله پدیدآیی فردی انسان مربوط است. از این رو، اغلب به عنوان عالی‌ترین شکل شناخت توصیف می‌شود، که متخصصان آن را به عنوان بالاترین فضیلت انسان در نظر می‌گیرند (برزینا^۵ و ریتومسکی^۶، ۲۰۱۰).

درباره چیستی خرد فلاسفه، روان‌شناسان، رهبران روحانی، شاعران، رمان‌نویسان و بسیاری از متفکران کوشیده‌اند برداشت‌های خود را عرضه کنند. به طور کلی پنج دیدگاه

1. Hall, G. S.

2. Staudinger, U. M.

3. Gluck, J.

4. Yang, S.

5. Brezina, I.

6. Ritomský, A.

فلسفی درباره خرد عبارت‌اند از: خرد به عنوان: ۱. تواضع و معرفت (شناخت)؛ ۲. دقت و صراحت؛ ۳. دانش؛ ۴. نظریه‌های ترکیبی؛ ۵. عقلانیت. سقراط خردمند را این‌گونه تعریف می‌کند: «خردمند کسی است که بداند هیچ نمی‌داند». این دیدگاه سقراط درباره خرد، نمونه‌ای از جنبه تواضع و معرفت خرد است. با توجه به پیچیدگی مفهوم خرد و مطرح‌نشدن تعریفی واحد از آن، آردلت^۱ (۲۰۱۱) معتقد است به رغم دشواری در تعریف خرد، میان پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه نوعی توافق کلی وجود دارد. به نظر آنها خردمندی مشتمل بر دانش، بینش، تأمل، تلفیق منافع فرد با منافع و رفاه دیگران است. پس از سی سال مطالعه تعاریف پژوهشگران از خرد، در برخی عناصر آن همگرایی دیده می‌شود در حالی که هنوز تأکید آنها بر اجزای تشکیل‌دهنده خرد متفاوت است (استان‌دینگر و گلاک، ۲۰۱۱). برای نمونه، یانگ (۲۰۱۳) می‌گوید خردمندی از سه مؤلفه کلیدی انسجام شناختی، تجسم خرد در اعمال، و تأثیرگذاری مثبت بر خود و دیگران در درازمدت برای حفظ مصالح جمعی تشکیل می‌شود.

استرنبرگ^۲ (۲۰۰۸، ۲۰۰۱) خردمندی را کاربرد هوش، خلاقیت و دانش به منظور رسیدن به مصلحت جمعی می‌داند که از ارزش‌های فرد تأثیر می‌پذیرد. وی معتقد است فرد برای رسیدن به تعادل بین انطباق با محیط‌های موجود، شکل‌دهی محیط‌های موجود و انتخاب محیط‌های جدید باید بین منافع درون‌فردی، منابع بین‌فردی و منافع برون‌فردی در کوتاه‌مدت و درازمدت تعادل برقرار کند. اریکسون (۱۹۶۸) به نقل از: کروگر، ۲۰۰۰، به نقل از: هاشمی، ۱۳۹۳) خردمندی را بخشی از شخصیت می‌داند. او معتقد است رشد شخصیت نیازمند کسب و حل یک سلسله تعارض‌های روانی - اجتماعی در هر مرحله از زندگی است. یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای نظری در حوزه خرد مدل سه‌بعدی است. این مدل را آردلت (۲۰۰۳، ۲۰۱۱؛ آردلت و همکاران، ۲۰۱۴) بر اساس پژوهش کلیتون^۳ و بیرن^۴ (۱۹۸۰) تدوین کرده‌اند. خرد

1. Ardelt, M.

2. Sternberg, R.

3. Clayton, V. P.

4. Birren, J. E.

در این مدل یکی از ویژگی‌های شخصیت تعریف می‌شود که در آن سه بعد شناختی، تأملی و عاطفی با یکدیگر یکپارچه شده است. به عبارت دیگر، آردلت (۲۰۰۳) خرد را ترکیبی از ویژگی‌های شخصیتی با سه مولفه شناختی، تأملی، و عاطفی تعریف می‌کند. مؤلفه شناختی به تمایل مداوم فرد برای درک وضعیت‌های انسانی، به‌ویژه مسائل درون‌فردی و بین‌فردی، و نیز دانش حاصل از این تمایل اشاره دارد. مؤلفه تأملی، به توانایی درک مسائل از زوایای چندگانه و همچنین بررسی خود (خودآزمایی) و درون‌نگری اشاره دارد. مؤلفه عاطفی، در قالب عشق دلسوزانه، توجه و مهربانی تعریف می‌شود (یعنی نگرش همدلانه مثبت به دیگران).

نظریه‌های شناختی (بالتز^۱ و استاندینگر، ۲۰۰۰) خرد را به عنوان دانش و تأمل درباره مسائل اساسی زندگی و مواجهه با آنها تعریف می‌کنند. نظریه‌های یکپارچه خرد را ویژگی شخصیتی‌ای فرض می‌کنند که دربرگیرنده شناخت محیطی، اندیشه، و عواطف (آردلت، ۲۰۰۰) است؛ یا خرد را خودفراروی (خودبرتر) (لی^۲ و لوینسون، ۲۰۰۵) می‌دانند که شامل جنبه‌هایی مانند شفقت و نگرانی برای دیگران است. نظریه توازن خرد را رابرت استرنبرگ (۱۹۹۸) مطرح کرده است. در این نظریه خرد چنین تعریف می‌شود: خرد کاربرد هوش و تجربه در سایه ارزش‌ها برای دستیابی به خیر عمومی است که فرد با ایجاد توازن بین علائق درون‌فردی، بین‌فردی و فرافردی در کوتاه‌مدت و بلندمدت به تعادلی بین سازگاری با محیط‌های موجود، شکل دادن به محیط‌های موجود و انتخاب محیط‌های جدید دست می‌یابد. علت نام‌گذاری این نظریه به نظریه توازن از تعریف آن شروع می‌شود. خردمندی تلاش برای برقراری توازن بین علائق مختلف است که هدف از آن رسیدن به خیر عمومی است. در دنیایی مملو از انسان‌های متفاوت که هر کدام علائق، سلیق، افکار و اعتقادات خاص خود را دارند، تلاش برای برقراری توازن کار ساده‌ای نیست. زیرا انسان‌های عادی به دنبال سود و نفع شخصی خود هستند و اغلب تمایلات خودشان در اولویت است؛ بنابراین، خردمند کسی

1. Baltes, P. B.

2. Le, T.

3. Levenson, M. R.

است که از خود و از محدوده افکار و علائق خود بیرون می‌آید و می‌کوشد از آنچه دیگران می‌خواهند باخبر شود و سپس بین آنچه خود می‌خواهد و آنچه دیگران می‌خواهند تعادلی برقرار کند تا خواسته‌های خودش و دیگران تأمین شود. مدل پنج‌عاملی خرد را جفری و بستر^۱ (۲۰۰۳) مطرح کرده است. وبستر معتقد است خرد پدیده‌ای چندبعدی است که صاحب‌نظران ابعاد مختلفی برای آن در نظر گرفته‌اند و حوزه پژوهشی هنوز برای یافتن ابعاد دیگر باز است؛ اما برای درک خرد، با وجود اینکه حضور هر بُعد ضروری است، اما هیچ کدام به‌تنهایی نماینده خرد نیستند. نگاه به خرد به شکل کل‌نگرانه است؛ یعنی همه ابعاد باید حضور داشته باشند تا خرد ظاهر شود و اگر حتی یکی از ابعاد حضور نداشته باشد نمی‌توان از خرد سخن گفت. برای نمونه، برخورداری از توانایی‌های ذهنی که برای خرد لازم است بدون ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، ممکن است نشانه زیرکی یا هوش باشد، اما خرد نیست. همچنین، داشتن تمایلات انسان‌دوستانه بدون حمایت توانمندی‌های عقلانی لازم، ممکن است نیت خوب نام بگیرد ولی خرد نه. بنابراین، ترکیب دانایی و دوستی است که می‌تواند خرد را به بار آورد.

در دیدگاه وبستر، خرد از پنج عامل تشکیل شده است: تجربه، تنظیم هیجانی، مرور خاطرات و بازیابی آنها، گشودگی، و شوخ‌طبعی. مدل رشدی خرد را اسکات براون^۲ (۲۰۰۲) مطرح کرده است. خرد در مدل براون (۲۰۰۲) سازه‌ای است که از شش بُعد مرتبط به هم تشکیل شده است: دانش خود، فهم دیگران، قضاوت، دانش زندگی، مهارت‌های زندگی، و اشتیاق به یادگیری. دیدگاه فرآیندی خرد را یانگ (۲۰۱۱، ۲۰۱۴) مطرح کرده است. خرد در این دیدگاه، فرآیندی در زندگی واقعی است که سه مؤلفه دارد: یکپارچگی، تجسم و آثار مثبت. یانگ (۲۰۰۸) خرد را چنین تعریف کرده است: «نوع خاصی از فرآیند زندگی واقعی که زمانی حاصل می‌شود که فرد از نظر شناختی به نوعی یکپارچگی غیرمعمول دست یابد، ایده‌هایش را در عمل نشان دهد و به تبع آن آثار مثبتی، هم برای خود و هم برای دیگران، به دنبال آورد». بنابراین، از نظر یانگ خرد، ویژگی ذاتی شخصیتی یا نوعی از دانش نیست، بلکه

1. Webster, J. D.

2. Brown, S. C.

فرآیندی است که در متن زندگی رخ می‌دهد و حضور هر سه بخش آن، یعنی یکپارچگی، تجسم و آثار مثبت، لازم است تا خردمندی حاصل شود. از این‌رو مدل‌های علمی خرد (مدل سه‌بعدی خرد آردلت، مدل پارادایم برلین، نظریه توازن، مدل پنج‌عاملی جفری وبستر) نظریه‌های آشکار (صریح) خرد نامیده می‌شوند. از آنجا که خرد نیز مانند سایر مفاهیم روان‌شناسی از الگوهای نظری و پژوهش‌های علمی برخاسته است، این مدل‌های علمی را نظریه‌های آشکار خرد می‌نامند. به تعبیری، نظریات آشکار خرد، دیدگاه‌های روان‌شناسان و افراد حرفه‌ای درباره خرد است. این افراد با مطالعه نظریات موجود، ساخت ابزارهایی برای سنجش خرد، مانند پرسش‌نامه، مصاحبه و استفاده از آزمون‌های آماری برای معنادهی به داده‌های گردآوری شده به صورت‌بندی‌های خود از خرد دست می‌یابند. به عبارت دیگر، نظریات آشکار، ساخته و آزمون می‌شوند.

از سوی دیگر، یکی از مسائلی که از زمان شروع پژوهش‌های روان‌شناسی درباره خرد از سال ۱۹۷۰ (استادینگر و گلاک، ۲۰۱۱) به آن توجه شده «نظریه‌های ضمنی خرد» است. درک این مسئله که خردمندی چیست و چگونه می‌توان آن را تعریف کرد از موضوع‌های بسیار مهم پژوهشی است که با رویکرد ضمنی همراه بوده است. در رویکرد ضمنی به خرد، دیدگاه‌های مردم عادی درباره خرد مطالعه می‌شود. نظریه‌های ضمنی سازه‌های عقلانی هستند که در ذهن افراد وجود دارند که از طریق پرسش قابل استخراج‌اند و در رفتار افراد آشکار می‌شوند. به عبارت دیگر، منظور از نظریه‌های ضمنی خرد، دیدگاه‌های مردم عادی درباره خرد است. بنابراین، هدف نظریه‌های ضمنی به دست دادن توصیفی از مفاهیم است که با توجه به دیدگاه مردم عادی صحیح است (استرنبرگ و لوبارت،^۱ ۲۰۰۱). از این‌رو، نظریات ضمنی خرد باید کشف شوند.

نظریه‌های ضمنی خرد^۲ این موضوع را که مردم چگونه خرد را تعریف می‌کنند و چه کسانی را خردمند می‌دانند بررسی می‌کنند. دیدگاه مردم درباره اینکه خردمند کیست ممکن است شامل افراد مشهوری باشد که در تلویزیون و رسانه‌ها مطرح می‌شوند یا افراد غیرمعروفی چون

1. Lubart, T. I.

2. Implicit Theories of Wisdom

خانواده و دوستان که با آنها ارتباط نزدیک دارند. کاربرد نظریه‌های ضمنی خرد در زندگی روزمره نهفته است؛ لنزهایی هستند که افراد از طریق آنها، دیگران و خودشان را در دوره‌ای از زندگی به عنوان خردمند در نظر می‌گیرند (استرنبرگ، ۱۹۸۵، به نقل از: بلاک و گلاک، ۲۰۰۵). دیدگاه مردم درباره خرد به بافت کنونی زندگی‌شان و کارهای توسعه‌یافته مربوط می‌شود (گلاک و همکاران، ۲۰۰۵). بلاک و گلاک (۲۰۰۵) پیشنهاد کرده‌اند برای درک کامل نظریه‌های ضمنی خرد، بهتر است آنها در سه سطح مطالعه شوند. اول سطح اجتماعی، یعنی شیوه‌ای که فرهنگ‌ها و جوامع از خرد استفاده می‌کنند و نگاه هر فرهنگ درباره اینکه خردمندان بزرگ در طول تاریخ دور و نزدیک چه کسانی هستند. سطح دوم سطح بین فردی است؛ یعنی اینکه افراد، خرد یکدیگر را چگونه ارزیابی می‌کنند. قضاوت فرد درباره رفتارهای دیگران از لحاظ خردمند بودن یا بی‌خردی در این سطح قرار دارد؛ یعنی وقتی مردم به یکدیگر توصیه‌ها و نصیحت‌های خردمندانه می‌کنند خرد را چگونه ادراک می‌کنند. سوم سطح درون فردی است؛ یعنی شیوه‌ای که افراد رفتارها، احساسات و افکار خود را از نظر میزان خرد یا بی‌خردی قضاوت می‌کنند. افراد خود را در حوزه خرد چقدر رشدیافته می‌دانند. همه این سطوح از تعریف و برداشت مردم از خرد نشئت می‌گیرد. بنابراین، برای شناسایی و استخراج آنها از پس ذهن افراد از هر سه روش می‌توان استفاده کرد.

بلاک و گلاک (۲۰۰۵) پنج مؤلفه خرد را شناسایی کردند، که بسیاری از پژوهشگران آنها را به صورت‌های مختلف نام‌گذاری کرده بودند: ۱. بیشتر مطالعات، نوعی پایه شناختی قوی برای خرد شناسایی کرده‌اند که مشتمل بر چند توانایی عقلانی است. جنبه‌هایی از هوش پیش شرط لازم برای حل مسئله خوب است که در همه مطالعات دیده می‌شود. در مطالعات، همواره به هر دو هوش سیال (تفکر منطقی و توانایی استدلال درست) و هوش متبلور (دانش و تجربه) به عنوان مؤلفه‌های شناختی خرد توجه شده است؛ ۲. بینش که شامل بصیرت و درک عمیق دیدگاه‌ها، عقاید و انگیزه‌های خود و دیگران است؛ ۳. تأمل؛ یعنی تمایل برای تفکر عمیق درباره موضوعات، انسان‌ها، و خود و همچنین تفکر قبل از هر گونه اقدام؛

۴. نگرانی برای دیگران؛^۱ شامل نوعی نگاه کلی محبت‌آمیز و علاقه به دیگران، توانایی درک دیدگاه‌های دیگران و درک احساسات آنها، همچنین انصاف‌داشتن و احترام‌گذاشتن به دیگران؛ ۵. داشتن مهارت‌های حل مسئله؛ شامل نگاه تیزبینانه در درک مسائل و مشکلات، آگاه‌بودن از محدودیت‌های موجود، و برخورداری از مهارت‌های اجتماعی برای راهنمایی دادن درست و عملی به دیگران.

پالهاوس^۲ و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهشی از دانشجویان خواستند درباره خردمندترین شخصی که می‌شناسند فکر کنند. نتایج نشان داد دانشجویان بیشتر رهبران مذهبی و افرادی را که به صورت مسالمت‌آمیز و دلسوزانه جهان را تغییر می‌دهند به عنوان خردمند معرفی می‌کردند. همچنین پژوهش‌ها نشان داد بیشتر افرادی که خردمند معرفی شده بودند نسبتاً مسن بودند. پرلمتر^۳ و همکاران (۱۹۸۸) بیان کردند سن ۷۸ درصد افراد خردمند معرفی شده ۵۰ سال یا بیشتر بوده است. دنی^۴ و همکاران (۱۹۹۵) نشان دادند سن افراد خردمند معرفی شده نسبتاً بالا بوده است. جیسون^۵ و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهشی سن افراد خردمند مطالعه‌شده را به طور متوسط ۶۰ سال گزارش کردند. دنی و همکاران (۱۹۹۵) دریافتند که بیشتر مردم مسن که به عنوان خردمند انتخاب شدند مردان بودند و زمانی که از شرکت‌کنندگان درباره خرد درون‌فردی پرسیده شد، بیشتر زنان به عنوان خردمند انتخاب شدند. سووارکا^۶ (۱۹۸۹) نشان داد زنان غالباً به عنوان اعضای خردمند خانواده معرفی می‌شوند، در حالی که مردان اغلب در زمینه‌های حرفه‌ای (مرتبط با کار) به عنوان خردمند شناخته می‌شوند. جیسون و همکاران (۲۰۰۱) با شرکت‌کنندگان درباره ویژگی‌های افراد خردمند مصاحبه کردند. نتایج نشان داد شرکت‌کنندگان بیشتر رهبربودن، داشتن معنویت و

1. Concern For Others

2. Paulhus, D. L.

3. Perlmutter, M.

4. Denney, N. W.

5. Jason, L. A.

6. Sowarka, D.

بینش را به عنوان ویژگی‌های خردمندان برشمردند. همچنین، از شرکت‌کنندگان درباره «تأثیری که افراد خردمند در زندگی آنها داشته‌اند» پرسیده شد. شرکت‌کنندگان گفتند این افراد در جهت‌دادن به اهداف یا رشد عقاید و ارزش‌هایشان تأثیرگذار بوده‌اند. بلاک و گلاک (۲۰۰۴) در پژوهشی با شرکت‌کنندگان درباره رویدادهای مهم زندگی‌شان، زمانی که به آنها فکر می‌کردند یا درباره آنها سخن می‌گفتند و زمانی که خردمندان با رویدادهای زندگی مواجه می‌شدند، مصاحبه کردند. نتایج نشان داد بیشتر آنها درباره تصمیم‌های مهم زندگی، واکنش به رویدادهای منفی و راهبردهای مدیریت زندگی گفت‌وگو کردند. در مطالعه‌ای راجع به ۱۵ فضیلت مختلف، ون اودن هوون^۱ (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که مسلمانان، مسیحیان، افراد غیر مذهبی، معلمان و سیاست‌مداران خرد را به عنوان یکی از مهم‌ترین فضایل در نظر گرفتند.

کانیگ^۲ و گلاک (۲۰۱۲) در پژوهشی تفاوت در تعریف خرد را از نظر جنسیت و سن نشان دادند. گلاک و همکاران (۲۰۱۲) دانش‌آموزان مدارس ابتدایی را درباره خرد مطالعه کردند. آنها دریافتند که بیشتر دانش‌آموزان (۷۰ درصد) تقریباً با اصطلاح «خرد» آشنایی داشتند اما فهمشان از خرد بیشتر سودمندی است و به حافظه کودکان و هوش نوجوانان محدود می‌شود. برزینا و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی راجع به اینکه «آیا فرهنگ‌ها و مذاهب ملی مفهوم خرد را شکل می‌دهند؟» نشان دادند مفهوم خرد در میان فرهنگ‌ها و ادیان مختلف متفاوت است. مطالعات پژوهشی در زمینه دیدگاه مردم راجع به خرد در نمونه غربی در مقایسه با یافته‌های به‌دست‌آمده از نمونه‌های غیر غربی نشان می‌دهد مفهوم خرد، معمولاً عقلانیت، دانش، استدلال و اندیشه در نظر گرفته می‌شود در حالی که مفهوم خرد در آسیای شرقی بر جنبه احساسات، شهود (بصیرت) و بی‌ثباتی (ناپایداری دنیا) تأکید دارد (برزینا و ریتومسکای، ۲۰۱۰).

گلاک و بلاک (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «مفهوم خرد از نظر مردم عادی و رشد آن: دیدگاه شناختی و یکپارچه» نشان دادند نسبت افرادی که خرد را با تأکید بر همدلی و نگرانی برای دیگران در نظر می‌گرفتند به همان اندازه‌ای بود که خرد از نظر دانش و تجربه زندگی در

1. Van Oudenhoven, J. P.

2. Konig, S.

نظر گرفته می‌شد. همچنین، شرکت‌کنندگان با توجه به مؤلفه شناختی تأکید کردند که خرد به وسیله طیف گسترده‌ای از تجربه‌های زندگی و یادگیری به وسیله افراد خردمند پرورش می‌یابد. شرکت‌کنندگان با مؤلفه یکپارچه، تأکید بیشتری بر مسائل هیجانی زندگی (تجربه‌های منفی، نامعین و معنوی) داشتند. نتایج پژوهش آنها نشان داد به میزانی که مردم تجربه‌های شخصی را با مسائل زندگی به عنوان رشد خرد در نظر می‌گیرند ممکن است خردمندی با تجربه‌های زندگی‌شان افزایش یابد. از این رو تجربه‌های زندگی ممکن است یکی از عوامل رشد خرد باشد. گلاک و بلاک (۲۰۱۱) در پژوهشی دریافتند اجزای خرد عبارت است از: شناخت (درک وضعیت‌های انسانی و داشتن آگاهی، دانش و تجربه در زندگی)؛ طرز تفکر (تمایل و توانایی توجه به بررسی مسائل از جمله خود)؛ و عوامل عاطفی (دلسوزی و خیرخواهی).

مطالعه خرد در روان‌شناسی به‌تازگی آغاز شده است و از اولین پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه در دنیا سه دهه پیشتر نمی‌گذرد. با پیدایش نهضت روان‌شناسی مثبت، علاقه‌مندی به مفهوم خرد رو به افزایش است. در ایران با وجود اینکه «خرد» واژه‌ای آشنا است اما در مطالعات روان‌شناسی هنوز جایگاهی ندارد و تاکنون پژوهش در خور توجهی منتشر نشده است. از آنجایی که در فرهنگ ایران خرد و خردورزی جایگاه ویژه‌ای دارد ضروری است با استفاده از شیوه‌های تجربی این موضوع را به‌دقت مطالعه کنیم. از این رو، با توجه به اینکه خرد و خردمندی به دو دلیل (۱) تأکید بر بهینه‌ساختن و تحول فرهنگی؛ ۲) یک‌پارچه‌کردن شناخت، هیجان‌ها و فرآیندهای انگیزشی (استادینگر و گلاک، ۲۰۱۱) موضوع مفیدی برای بررسی‌های روان‌شناختی و اجتماعی است، برای دستیابی به مفهوم خرد، مؤلفه‌های خرد و خردمندی بر اساس دیدگاه مردم و تأثیر آن بر زندگی اشخاص و راهبردهای آنها برای حل مسائل روزمره زندگی نیاز مبرمی به شناخت و درک عمیق نظریه‌های ضمنی خرد و خردمندی وجود دارد. منظور از نظریه‌های ضمنی خرد دیدگاه مردم عادی درباره خرد است. دیدگاه مردم درباره مفهوم خرد، خردمندی، ویژگی‌های خردمندان و تأثیر آن بر رویدادهای زندگی روزمره اهمیت فراوان دارد و بر نوع تفکر و شناخت مردم در مدیریت صحیح زندگی و سلامت روان آنها تأثیرگذار است. از این رو با دستیابی به این اطلاعات و با استفاده از پژوهش

پدیدارشناسانه می‌توان به درک درستی از دیدگاه‌های مردم درباره خرد و مؤلفه‌های آن دست یافت. زیرا پژوهش پدیدارشناسی، توصیف معانی تجربی است؛ به همان صورتی که در زندگی با آنها مواجه می‌شویم (ابدسایدی، اکبری صدیق، ۱۳۸۴). بنابراین، این پژوهش به دنبال یافتن نظریه‌های ضمنی خرد در ایران است. به عبارت دیگر، مردم خرد را چگونه تعریف می‌کنند و چه مؤلفه‌هایی برای آن قائل‌اند؟

روش پژوهش

این پژوهش بخشی از مطالعه‌ای کیفی با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی بوده که در آن، داده‌ها با استفاده از روش کلایزی و تحلیل محتوا تحلیل شده است. هدف از تحقیق پدیدارشناسی، توصیف تجربیات زیسته افراد به همان صورتی است که در زندگی واقع شده‌اند (۱۹۸۷). پدیدارشناسی، علم مطالعه، توصیف و تفسیر دقیق پدیده‌های گوناگون زندگی است که بر تمام حوزه‌های تجربی تأکید دارد. در پژوهش پدیدارشناسی تجربیات، برداشتها و احساسات افراد مطالعه می‌شود (ادیب حاجی باقری، سرور، سلسالی، ۱۳۹۰). لذا استفاده از رویکرد پدیدارشناسی در زمینه نظریه‌های ضمنی خرد (دیدگاه مردم درباره مفهوم خرد) به توصیف پدیده کمک می‌کند. در این پژوهش، قبل از انجام دادن هر مصاحبه، اطلاعات لازم درباره شیوه و روند پژوهش و طول مدت مصاحبه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گرفت و در صورت تمایل افراد، با آنها مصاحبه می‌شد. تعداد شرکت‌کنندگان از قبل مشخص نبود و مصاحبه‌ها تا جایی ادامه پیدا کرد که اشباع داده‌ها محقق شد. نمونه‌گیری و مصاحبه در اردیبهشت ۱۳۹۳ آغاز شد و در آبان‌ماه همان سال به پایان رسید. پس از آن بازنویسی، کدگذاری و استخراج مضمون‌های اصلی تا اسفند ۱۳۹۳ به طول انجامید. هر روز در شهر همدان با مردم عادی که مایل به گفت‌وگو بودند درباره پژوهش بحث می‌شد و در صورت تمایل به شرکت در مصاحبه پژوهش، شماره تلفن و آدرس دقیق آنها در دفترچه یادداشت ثبت می‌شد و در زمان و مکان توافق‌شده مصاحبه صورت می‌گرفت. مصاحبه با هر فرد ضبط و سپس مکتوب می‌شد. مدت مصاحبه از ۴۵ دقیقه تا یک‌ونیم ساعت متغیر بود.

پس از پایان هر مصاحبه برای به‌دست‌آوردن پایایی (قابلیت اعتماد) با همکاری

مشارکت‌کنندگان و همکاران از روش بازبینی استفاده می‌شد. به این صورت که متن نوشته‌شده به مشارکت‌کنندگان و همکاران داده می‌شد تا بررسی کنند و با مصاحبه ضبط‌شده مطابقت دهند. جامعه آماری شامل کلیه مردم شهر همدان بودند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۹۲ نفر بودند که بر اساس نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ۳۴/۸ درصد از آنها زن و ۶۵/۲ درصد مرد بودند. میانگین سنی افراد شرکت‌کننده ۴۲/۶۶ درصد و دامنه سنی آنها بین ۲۰ تا ۷۸ سال بود و سن بیشتر افراد شرکت‌کننده از ۳۰ سال به بالا بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه ساختاریافته استفاده شد. پرسش‌های مصاحبه از راهنمای مصاحبه خرد (فراری و وستسترت، ۲۰۱۳) اقتباس و ترجمه شد. روایی صوری پرسش‌های ترجمه‌شده به کمک سه نفر از استادان روان‌شناسی دانشگاه بوعلی تأیید شد. بخشی از پرسش‌های مصاحبه عبارت بودند از: ۱. ابتدا می‌خواهم از خود شما شروع کنم. می‌توانید راجع به خودتان و داستان زندگی‌تان (رویدادهای مهم زندگی) برایم بگویید؛ ۲. از شما تقاضا می‌کنم یک دقیقه درباره خردمندترین شخصی که در زندگی‌تان می‌شناسید، فکر کنید (این شخص کیست و چه ویژگی‌هایی این شخص را خردمند کرده است؟)؛ ۳. خرد چیست؟ به نظر شما، معنای خرد را چطور می‌توان توضیح داد؟ برای تجزیه و تحلیل داده از روش تحلیل محتوای هفت‌مرحله‌ای کلایزی^۱ (۱۹۷۸) استفاده شد. این هفت مرحله عبارت است از: چند بار خواندن دقیق متن و دریافت درک کلی از آن، مشخص کردن گفته‌های مهم، نوشتن معناهای استخراج‌شده، دسته‌بندی خوشه مضامین، نوشتن شرح جامع، نوشتن ساختار پدیده و بازبینی نتایج با شرکت‌کنندگان.

در پایان، استخراج مؤلفه‌های اصلی و زیرمؤلفه‌ها از تحلیل‌ها انجام گرفت. به عبارت دیگر، انجام مراحل کلایزی بدین صورت بود که پژوهشگر کلیه توصیف‌های شرکت‌کنندگان را بارها مطالعه می‌کرد و به منظور درک این مفاهیم، با آنان هم‌احساس می‌شد. سپس جملات و واژگان مرتبط با پدیده‌ای را که در حال بررسی آن بود استخراج می‌کرد و به هر کدام

1. Colaizzi, P. F.

از جملات استخراج شده معنا و مفهوم خاصی داده می‌شود. بعد از مرور توصیفات شرکت‌کنندگان مفاهیم مشترک درون دسته‌های خاص موضوعی قرار داده می‌شود و برای موثق کردن مطالب به توضیحات اصلی مراجعه می‌شود. در مرحله بعد عقاید استنتاج شده به توصیفی جامع و کامل تبدیل می‌شود. در نهایت یافته‌های حاصل شده، به منظور اطمینان از موثق بودن آنها به شرکت‌کنندگان داده شد. برای نمونه، از ترکیب کدهای «داشتن تجارب غنی در زندگی»، «آگاهی از رویدادها و دانستن مسائل»، «سازگار بودن»، «صبر و بردباری»، «تحمل دشواری‌های زندگی» مؤلفه کلی «خودتعیین‌گری / ابراز وجود» شکل گرفت. بقیه مؤلفه‌ها به همین شیوه به دست آمدند و برای نمایش بهتر، نتایج در قالب جدول عرضه شد. همچنین، مفاهیمی که مردم عادی با فراوانی بیشتری به عنوان ویژگی خرد بیان می‌کردند در جداول مذکور در بخش نتایج، درصد و فراوانی آنها مشخص شده است (زیرا این مطالعه، پژوهشی کیفی از نوع پدیدارشناسی با روش کلایزی است).

یافته‌ها

نتایج حاصل از این پژوهش (پژوهش کیفی - پدیدارشناسی با روش تحلیل محتوای کلایزی) نشان داد ۷۴ نفر (۸۰/۴۳ درصد) از شرکت‌کنندگان مردان را به عنوان کاندیدای خرد معرفی کرده بودند و ۱۷ نفر (۱۹/۵۷ درصد) از شرکت‌کنندگان زنان را. همچنین، این نتایج نشان می‌دهد زنان اغلب به عنوان اعضای خردمند خانواده معرفی می‌شوند و در ارتباط با محیط کاری و حرفه‌ای و مدیریت جامعه و مسائل بیرون از خانواده مردان اغلب به عنوان کاندیدای خرد در نظر گرفته می‌شوند. ۲۲/۸۳ درصد از اشخاص خردمند معرفی شده از سوی شرکت‌کنندگان را «پدر»، ۱۴/۱۳ درصد را «مادر» و «اقوام نزدیک» تشکیل می‌دهند که هر سه در طبقه فامیل قرار دارند و به طور کلی می‌توان گفت ۵۱/۰۹ درصد اشخاص خردمند معرفی شده از سوی شرکت‌کنندگان در طبقه فامیل قرار دارند. شخصیت‌های علمی ۱۴/۱۳ درصد (در طبقه علم)، شخصیت مذهبی ۱۳/۰۴ درصد (در طبقه مذهبی «متدین»)، شخصیت‌های سیاسی / رهبری (در طبقه رهبری) ۱۰/۸۷ درصد و استاد / معلم (در طبقه

معلم) ۱۰/۸۷ درصد را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش هفت ویژگی خردمندان از تحلیل مصاحبه‌ها استخراج شد که عبارت است از: شخصیت، ارتباط، رهبری، تفکر، علم، دین‌مداری و خانواده (جدول ۱).

جدول ۱: طبقه‌بندی ویژگی‌های خردمندان

۴۷ (۵۱/۰۹)	۱. ویژگی‌های شخصیتی (استواری در کلام، صبور بودن، آرام بودن، دوراندیش بودن، داشتن دید وسیع به گذشته و آینده، صداقت‌داشتن، متواضع بودن، اهل تلاش و ریسک‌پذیر، باهوش بودن، مسئولیت‌پذیر بودن، باغیرت بودن)
۲۷ (۲۹/۳۵)	۲. ارتباط (روابط اجتماعی خوب، نفوذ اجتماعی داشتن، احترام گذاشتن به مردم، ارتباط مناسب با همسایه، کمک کردن به دیگران، ارتباط صمیمی با شاگردان، رفتار مناسب با افراد، تأثیر گذاشتن بر دیگران)
۲۳ (۲۵)	۳. رهبری (راه درست را به دیگران نشان دادن، مردم‌داری، راهنمای مردم بودن، گفته‌های حکیمانه، کمک کردن به دیگران، اداره درست کشور)
۲۰ (۲۱/۷۴)	۴. تفکر (توجه داشتن به عقل و خرد، روشن‌فکری، انجام دادن امور توأم با تفکر، سنجیده عمل کردن، مواجهه عاقلانه با مشکلات زندگی، تأمل هنگام تصمیم‌گیری، اهل منطق بودن، درست فکر کردن، عاقل و دانا بودن)
۲۰ (۲۱/۷۴)	۵. علم (تسلط داشتن به مسائل علمی، ادامه تحصیل دادن، مطالعه بسیار و کنکاش در آثار اندیشمندان، تأکید بر مطالعه تاریخ و سیر اندیشه‌های بشری، کسب اطلاعات کامل و جامع، دانش فراوان)
۱۶ (۱۷/۴۰)	۶. دین‌مداری (عادل و باتقوا بودن، مفسر قرآن، امر به معروف و نهی از منکر، خداترس، شاکر خدا بودن)
۱۰ (۱۰/۸۷)	۷. خانواده (فراهم کردن استقلال شخصیتی فرزندان، مدیریت صحیح خانواده، به ثمر رساندن فرزندان، توجه به مسائل زناشویی، خانواده‌دوست، ارتباط درست با همسر، گوش دادن به حرف‌های اعضای خانواده)

همان‌طور که در جدول ۱ می‌بینیم مهم‌ترین دلیلی که شرکت‌کنندگان برای ویژگی‌های خرد مطرح کرده‌اند، برخورداری از «ویژگی‌های شخصیتی» خاص است که ۵۱/۰۹ درصد از

دلایل مطرح شده را در بر می‌گیرد. دومین دلیل طبقه‌بندی شده «ارتباط» است که ۲۹/۳۵ درصد از ویژگی‌ها را تشکیل می‌دهد. طبقه سوم، «رهبری» ۲۵ درصد است و طبقه‌های «تفکر» و «علم» ۲۱/۷۴ درصد، «دینداری» ۱۷/۴۰ درصد و خانواده ۱۰/۸۷ درصد.

جدول ۲: استخراج مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها (مضمون‌ها و زیرمضمون‌ها)

شناخت	تفکر، عاقل بودن، اندیشه، برنامه‌ریزی داشتن، تصمیم‌گیری
همدلی / حمایت	درک احساسات دیگران، کمک کردن به افراد
خودتعیین‌گری / ابراز وجود	داشتن تجارب غنی در زندگی، آگاهی از رویدادها و دانستن مسائل، سازگار بودن، صبر و بردباری، تحمل دشواری‌های زندگی
دانش / انعطاف‌پذیری	توانایی کنترل امور، حفظ ارزش‌ها و عقاید
دینداری	تسلیم‌بودن در برابر خدا، شکرگذار خدا بودن، به فکر آخرت بودن، ایمان به خدا

همان‌طور که در جدول ۲ می‌بینیم، از تحلیل مصاحبه‌ها (تعریف‌های خرد که شرکت‌کنندگان مطرح کرده‌اند)، ۵ مؤلفه و ۱۸ زیرمؤلفه به دست آمده است که به شرح زیر است:

۱. شناخت

نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها نشان داد که بخشی از تعریف‌های مطرح شده از خرد مربوط به مؤلفه شناخت است. مؤلفه شناخت به نوع تفکر، عاقل بودن، اندیشه، داشتن برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری اشاره دارد. مثلاً یکی از مصاحبه‌شوندگان (کد: ۱۰۶۵، جنس: مرد، سن: ۲۴ سال) خرد را این‌گونه تعریف می‌کند:

خرد یعنی اندیشه‌ای که از عقل و شناخت نشئت می‌گیرد. انسان خردمند عقلش جلوتر از زبانش است. یعنی هر کاری که می‌کند از عقلش استفاده می‌کند که آیا این کار به صلاح است یا نه. ولی اگر انسان اهل خرد نباشد زبانش جلوتر از عقلش است. یعنی اول حرف می‌زند و کار را انجام می‌دهد و بعد فکر می‌کند و پشیمان می‌شود. ولی انسان خردمند چون فکر می‌کند پشیمان نمی‌شود.

۲. همدلی و حمایت

همدلی و حمایت به درک احساسات دیگران و کمک کردن به آنها در موقعیت‌های دشوار اشاره دارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان (کد: ۱۰۷۸، جنس: مرد، سن: ۶۵ ساله) خرد را داشتن درک و فهم برای فهمیدن و درک دیگران تعریف کرده است. همچنین (کد: ۱۰۷۵، جنس: زن، سن: ۲۸ ساله) خرد را کارگشا بودن و دست فقیران را گرفتن و کمک کردن به آنها دانسته است.

۳. دانش و انعطاف‌پذیری

مؤلفه دانش و انعطاف‌پذیری به داشتن تجارب غنی در زندگی، آگاهی از رویدادها و دانستن مسائل، سازگار بودن و صبر و بردباری و تحمل دشواری‌های زندگی اشاره دارد. (کد: ۱۰۱۵، جنس: زن، سن: ۴۹ ساله) خرد را این‌گونه تعریف می‌کند:

خرد یعنی داشتن دانش و بینش درباره زندگی. افراد خردمند کسانی هستند که چرایی زندگی را دریافته‌اند و برای همین قادرند با هر چگونگی بسازند.

همچنین (کد: ۱۰۵۹، جنس: زن، سن: ۶۹ ساله) خرد را «هماهنگ شدن با زندگی و پذیرفتن واقعیت‌ها، آن‌طور که وجود دارد، و نیز شناسایی محدودیت‌ها و سازگاری با آنها» دانسته است، به طوری که «این سازگاری با خود، دیگران و محیط باشد».

۴. خودتعیین‌گری و ابراز وجود

نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد خودتعیین‌گری و ابراز وجود به توانایی کنترل امور زندگی و حفظ ارزش‌ها و عقاید خود اشاره دارد. (کد: ۱۰۲۸، جنس: مرد، سن: ۴۶) خرد را بدین صورت تعریف می‌کند:

خرد منعکس‌کننده ارزش‌ها، اعتقادات و معیارهایی است که ما آنها را در علم و دانش خودمان استفاده می‌کنیم که ژرف‌نگری و دقت عمیق رکن اصلی آن است.

همچنین (کد: ۱۰۷۷، جنس: مرد، سن: ۶۳ سال) می‌گوید:

فرد خردمند می‌داند در مواجهه با مشکلات چگونه باید بر خود مسلط باشد و کار درست را انجام دهد. افراد اندیشه‌ورز به استقبال آینده می‌روند و در قبال

آینده خنثا نیستند. انسان خردمند، نوعی تسخیر آینده دارد و کارهایش تصادفی و اتفاقی نیست، بلکه نقشه راه خودش را دارد.

۵. دینداری

نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد یکی از مؤلفه‌های خرد مؤلفه دینداری است. این مؤلفه به تسلیم‌بودن در برابر خدا، شکرگزار خدا بودن، به فکر آخرت بودن، و ایمان به خدا اشاره دارد. (کد: ۱۰۴۸، جنس: مرد، سن: ۶۰ ساله) خرد را این‌گونه تعریف می‌کند:

خرد یعنی حمد و ثنای خدا را به جا آوردن، مطیع اوامر الهی بودن و سرکشی‌نکردن در برابر خداوند؛ و عاقل‌بودن یعنی مطیع اوامر خدا بودن؛ و ترس از خدا، امر به معروف و نهی از منکر است و احترام به دیگران و احترام به پدر و مادر و صلح داشتن؛ و مسلمان واقعی فرد عاقلی است که تحت تأثیر شیطان رجیم قرار نگیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

رشد نظریه‌های خرد، تغییری کلی در زمینه تأکید بر نقش فرآیندهای شناختی به منظور تعریف گسترده‌تر خرد را نشان می‌دهد. بدین ترتیب که دیدگاه خرد مهارت‌های شناختی، توانایی‌های عاطفی و فردی را یکپارچه می‌کند (برزینا و ریتومسکای، ۲۰۱۰). از این‌رو توجه به اهمیت مفهوم خرد و تأثیراتی که اشخاص خردمند در زندگی افراد دارند و اینکه نظریه‌های ضمنی درباره خرد تا چه اندازه بر مسائل روان‌شناختی آنها در مواجهه با مسائل زندگی تأثیرگذار است. این پژوهش با هدف بررسی پدیدارشناسانه خرد از دیدگاه مردم، ویژگی‌های خردمندان و مؤلفه‌های خرد و طبقه‌بندی آنها انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ۸۰/۴۳ درصد از مصاحبه‌شوندگان مردان را به عنوان کاندیدای خرد معرفی کرده بودند، در حالی که ۱۹/۵۷ درصد از آنها زنان را به عنوان کاندیدای خرد معرفی کرده بودند. این یافته با یافته‌های پژوهش پرلماتر و همکاران (۱۹۸۸) همسو است که نشان دادند از میان افراد خردمند بررسی شده اکثریت آنها مردان بوده‌اند. همچنین، با یافته‌های دنی و همکاران (۱۹۹۵) همسو

است. زیرا نشان دادند بیشتر مردم مسنی که شرکت‌کنندگان به عنوان خردمند انتخاب کرده بودند مردان بودند.

جیسون و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند اغلب افرادی که به عنوان خردمند انتخاب شده بودند حداقل ۶۰ سال سن داشتند و مردان بیشتر از زنان به عنوان خردمند معرفی می‌شوند. یافته‌های دنی و همکاران (۱۹۹۵) نشان داد زمانی که از شرکت‌کنندگان درباره خرد درون‌فردی پرسیدند، بیشتر زنان به عنوان خردمند معرفی شدند. همچنان، سووارکا (۱۹۸۹) بیان کرد که زنان غالباً به عنوان اعضای خردمند خانواده معرفی می‌شوند، در حالی که مردان اغلب در زمینه‌های حرفه‌ای (مرتبط با کار) به عنوان خردمند شناخته می‌شوند. بر اساس این یافته‌ها، زنان اغلب در محیط خانواده با ویژگی‌های درون‌فردی (صبور بودن، احترام گذاشتن، مهربان بودن، تربیت صحیح فرزندان، فداکار بودن، و ایجاد آرامش در خانواده) شناخته می‌شوند، در حالی که مردان معمولاً با ویژگی‌هایی در سطح بین‌فردی (مشاوره‌دادن و راهنمایی کردن دیگران) و در سطح اجتماعی (فاتح بودن، رهبری کردن، و اداره کردن جامعه) شناخته می‌شوند. این یافته‌ها اهمیت ویژگی‌های شخصی به عنوان بعدی از ویژگی‌های خردمندبودن را مطرح می‌کند که نشان می‌دهد بین زنان و مردان از لحاظ عوامل و دلایل خردمندبودن تفاوت وجود دارد و این تفاوت‌ها به نقش‌های متفاوت مردان و زنان در جامعه مربوط می‌شود. به گونه‌ای که لوینسون^۱ (۲۰۰۹) در پژوهشی با نشان دادن تفاوت‌های جنسیتی در زمینه مفهوم خرد، نشان داد «نگرانی برای دیگران» به عنوان یکی از ویژگی‌های خرد بیشتر در بین زنان مشاهده می‌شود.

همچنین، کانینگ و گلاک (۲۰۱۲) در پژوهشی تفاوت در تعریف خرد را از نظر جنسیت و سن نشان دادند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد پاسخ‌های شرکت‌کنندگان، وقتی از آنها درباره ویژگی‌های اشخاص خردمند پرسیده می‌شد، در طبقات «ویژگی‌های شخصیتی» (۵۱/۰۹ درصد)، «ارتباط» (۲۹/۳۵ درصد)، «رهبری» (۲۵ درصد)، «تفکر» (۲۱/۷۴

1. Levenson, M. R.

درصد)، «علم» (۲۱/۷۴ درصد)، «دینداری» (۱۷/۴۰ درصد) و «خانواده» (۱۰/۸۷ درصد) جای می‌گیرد. این نتایج با بخشی از یافته‌های جیسون (۲۰۰۱) همسو است که در پژوهشی با شرکت‌کنندگان درباره ویژگی‌های افراد خردمند مصاحبه کردند. نتایج نشان داد شرکت‌کنندگان بیشتر برانگیزاننده بودن، رهبر بودن، معنویت و بینش را به عنوان ویژگی‌های خردمندی برشمرده‌اند. همچنین، نتایج پژوهش آنها نشان داد مهم‌ترین جنبه و ویژگی افراد خردمند راهنمایی کردن (ارشاد) است که با طبقات استخراج شده در پژوهش حاضر همخوان است، هرچند تفاوت‌هایی هم وجود دارد. این تفاوت‌ها در برخی طبقه‌بندی‌ها احتمالاً به تفاوت‌های فرهنگی برمی‌گردد. زیرا با توجه به نتایج پژوهش‌های تاکاهاشی^۱ و بوردیا^۲ (۲۰۰۰)، یانگ (۲۰۰۱)، استرنبرگ (۲۰۰۳) و برزینا و همکاران (۲۰۱۰)، «خرد»، بیشتر نوعی مفهوم خاص فرهنگی است و تنوع فرهنگی پیش‌بینی‌کننده ویژگی‌های خرد است. برای نمونه، تاکاهاشی و اورتون^۳ (۲۰۰۵) تعاریف تحلیلی غربی‌ها از خرد را که بر دانش و شناخت پیچیده تأکید می‌کردند از تعاریف ترکیبی شرقی‌ها از خرد که بر ادغام شناخت و عواطف تأکید می‌کردند متمایز کردند و بررسی تفاوت‌های فردی درون فرهنگ‌ها را مهم دانستند.

برزینا و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی راجع به اینکه «آیا فرهنگ‌ها و مذاهب ملی مفهوم خرد را شکل می‌دهند؟»، علی‌رغم فرضشان مبنی بر اینکه بیشتر مردم احتمالاً بر مذهب تأکید می‌کنند، دریافتند که فرهنگ ملی پاسخ درست است. با این حال نتایج پژوهش آنها نشان داد مفهوم خرد در میان فرهنگ‌ها و ادیان مختلف متفاوت است (مثلاً بین مسیحیان و هندوها از نظر مفهوم خرد تفاوت وجود دارد. همچنین، برخی پژوهش‌ها نشان داد نوع دوستی یکی از جنبه‌های مهم خرد در دین بودایی است (لویت، ۱۹۹۹؛ به نقل از: برزینا و همکاران، ۲۰۱۲). از این رو با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش‌ها می‌توان بیان کرد که تفاوت‌های فرهنگی و تنوع فرهنگ‌ها عامل مهمی در تشکیل مفهوم خرد و شکل‌گیری

1. Takahashi, M.

2. Bordia, P.

3. Overton, W. F.

ویژگی‌های خردمندبودن است. زیرا بافت فرهنگی زندگی افراد (به‌ویژه نوع محیط آموزشی، الگوهای مهمی که حضور دارند و ارزش‌هایی که خانواده‌ها در محیط خانوادگی مهم می‌شمارند) احتمالاً عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری مفهوم خرد و خردمندی است. بنابراین، لازم است در بین فرهنگ‌های متنوع به طور گسترده مفهوم خرد بررسی شود تا شناخت جامع‌تری از آن به دست آید و بتوانیم بر اساس آن برای بهبود سلامت روان و روشن کردن اهمیت و نقش افراد خردمند و مفهوم آن در زندگی افراد جامعه اقدامات اساسی انجام دهیم. ما پنج مؤلفه بر اساس دیدگاه و ادراک مردم درباره خرد (نظریه‌های ضمنی) استخراج کردیم که به شرح زیر است:

* شناخت

* همدلی / حمایت

* دانش / انعطاف‌پذیری

* خودتعیین‌گری / ابراز وجود

* دینداری

مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از دیدگاه مردم درباره خرد در این پژوهش را می‌توان با نتایج پژوهش گلاک و بلاک (۲۰۰۵) درباره نظریه‌های ضمنی خرد تقریباً همسو دانست. زیرا آنها پنج مؤلفه از دیدگاه مردم درباره خرد به دست آوردند: توانایی‌های شناختی (دانش و تجربه)، بینش (توانایی درک مسائل پیچیده)، نگرش تأملی (تفکر عمیق درباره همه چیز، مردم و خود)، نگرانی برای دیگران (همدلی، انصاف و احترام)، و مهارت‌های جهان واقعی (قضاوت خوب، شناخت محدودیت‌های خود). آنها همچنین با مطالعه بیشتر، تفاوت‌های سنی را در این زمینه نشان دادند. آنها در سه گروه از شرکت‌کنندگان (نوجوانان ۱۵ - ۲۰، اواسط بزرگ‌سالی ۳۰ - ۴۰، بزرگ‌سالان مسن ۶۰-۷۰ سال)، سه شکل از مفهوم خرد (افکار، رفتار و احساسات) را نشان دادند: همدلی / حمایت، خودمختاری، دانش / انعطاف‌پذیری. اگرچه هر سه شکل خرد در همه دوره‌های سنی مشاهده شد اما هر کدام از گروه‌ها بر شکل خاصی

از خرد بیشتر تأکید می‌کردند. برای نمونه، نوجوانان بیشتر بر جنبه همدلی و حمایت خرد تأکید می‌کردند، در حالی که افراد رده ۳۰-۴۰ بر خودمختاری، و افراد رده ۶۰-۷۰ بر دانش به عنوان بعدی از خرد بیشترین تأکید را داشتند. همچنین، بین مؤلفه‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش با نظریه‌های خرد (مثلاً تأکید یانگ (۲۰۱۳) بر انسجام شناختی، تأثیرگذاری بر خود و دیگران؛ اهمیت دانش، تعادل و انطباق با محیط از نظر استرنبرگ (۲۰۰۸)؛ رشد شخصیت و حل تعارض‌های روانی از دیدگاه اریکسون؛ تأکید بر مؤلفه‌های شناختی، تأملی و عاطفی خرد از نظر آردلت (۲۰۰۳)) شباهت دیده می‌شود. اما بین یافته‌های حاصل از این پژوهش با پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه مؤلفه‌های خرد تفاوت مهم ناشی از عامل دینداری است. زیرا با توجه به مؤلفه دینداری، می‌توان بیان کرد که فرهنگ دینی عامل مهمی برای خردمندشدن است، در حالی که تاکنون پژوهشی این مؤلفه را به عنوان بعدی از خرد مطرح نکرده است و حتی نظریه‌های خرد به آن اشاره‌ای نکرده‌اند. اما برخی از پژوهش‌ها، از جمله پالهاوس و همکاران (۲۰۰۲)، اشاره کردند که بیشتر افراد شرکت‌کننده رهبران مذهبی را به عنوان خردمند معرفی می‌کنند. این عامل بیانگر ارتباط معنویت با حوزه خرد در حال ظهور است (لی و لوینسون، ۲۰۰۵؛ روچ، ۲۰۰۸).

به طور کلی، تقریباً بین مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از خرد هماهنگی مشاهده می‌شود. زیرا با مطالعه مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از خرد در پژوهش‌های مختلف می‌بینیم که این مؤلفه‌ها اغلب به صورت متفاوت نام‌گذاری شده‌اند، در حالی که یک مفهوم را می‌رسانند. برای نمونه، یکی از مؤلفه‌های خرد توانایی‌های عقلانی است که تحت عنوان شناخت (کلیتون و بیرن، ۱۹۸۰)، شایستگی کلی (هالیدی و چاندلر، ۱۹۸۶) و توانایی استدلال (استرنبرگ، ۱۹۸۵) نام‌گذاری می‌شود. بنابراین، عامل فرهنگی (تنوع فرهنگ) باعث می‌شود برخی از مؤلفه‌ها مهم‌تر تلقی شوند. برای نمونه، فرهنگ‌های غرب بیشتر عامل شناخت (دانش، استدلال) را مهم می‌دانند در حالی که در فرهنگ‌های شرق علاوه بر شناخت، عواطف جایگاه مهمی دارد. به

گونه‌ای که در زمینه تاریخی و مناطق جغرافیایی آسیای شرقی تنوع فرهنگی ویژگی‌های افراد خردمند را پیش‌بینی می‌کنند. برای نمونه در (آسیای شرقی)، یک فرد خردمند، خرد را دانش روان‌شناسی (شناخت، احساسات، مهارت‌های اجتماعی و انگیزش) تعریف می‌کند. مطالعات در زمینه دیدگاه مردم درباره خرد در نمونه غربی در مقایسه با یافته‌های به‌دست‌آمده از نمونه‌های غیرغربی نشان می‌دهد مفهوم خرد را در عقلانیت، دانش، استدلال و اندیشه متبلور می‌دانند، در حالی که مفهوم خرد در آسیای شرقی بر جنبه احساسات، شهود (بصیرت) و بی‌ثباتی (ناپایداری دنیا) تأکید دارد (برزینا و ریتومسکای، ۲۰۱۰). از این‌رو جهت‌گیری‌های بین فرهنگی و تفاوت‌های فرهنگی در زمینه چگونگی تعاریف و نظریات در فهم واقعیت در زمینه خرد اهمیت دارد. زیرا دارای جنبه‌های شناختی / عملی است که می‌توان آن را عزم و اراده و جنبه‌ای اجتماعی (با نام نوع‌دوستی) نامید؛ جنبه‌ای که اشاره به تفکیک آن از ماده‌گرایی و احساسات (آرامش) دارد (برزینا و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین، با توجه به جایگاه برجسته خرد در آموزه‌های همه مذاهب (روسیل، ۲۰۰۵^۱) و فرهنگ‌ها (تنوع فرهنگی درون هر جامعه) به عنوان هدفی مهم در زندگی (برزینا و ریتومسکای، ۲۰۱۰) و مهم بودن آن به عنوان یکی از اصول اخلاقی (ارسطو، ۲۰۰۰؛ به نقل از: برزینا و همکاران، ۲۰۱۲) لازم است در زمینه خرد و خردمندی پژوهش‌های گسترده تجربی صورت گیرد، به گونه‌ای که ضمن شناسایی ابعاد مهم آن، چگونگی تأثیر آن بر افزایش سلامت روان افراد بررسی شود.

در مجموع، می‌توان بر اساس یافته‌های این پژوهش گفت مؤلفه‌های خرد در نگاه مردم ایران با ویژگی‌هایی که مردم در سایر فرهنگ‌ها ذکر کرده‌اند با وجود تفاوت‌های بسیار، شباهت‌هایی دارد که دست‌یابی به نگاهی جهانی و فرافرهنگی به خرد را امکان‌پذیر می‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با هدف رسیدن به تعریفی جامع از خرد به مطالعات تطبیقی بپردازد تا عناصری را که فرهنگ‌های متفاوت بر آن تأکید دارند پوشش دهد.

این پژوهش با توجه به اینکه اولین پژوهشی است که موضوع خرد را به روش کیفی و با

شیوه پدیدارشناسانه مطالعه کرده است با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است. نمونه این مطالعه در دسترس بوده است. بنابراین باید در تعمیم نتایج احتیاط کرد. مردم به راحتی در مصاحبه‌ها شرکت نمی‌کنند، به ویژه زمانی که صدای آنها قرار است ضبط شود یا از آن یادداشت‌برداری شود. این موضوع زمانی تبدیل به مشکلی جدی‌تر می‌شود که پرسش‌هایی مطرح شود که جنبه خصوصی‌تر دارند. در چنین موقعیت‌هایی ممکن است افراد تمایلی به گفت‌وگو نداشته باشند. این مشکل باعث شد بخشی از نمونه پژوهش در مطالعه شرکت نکنند یا از ادامه آن صرف نظر کنند.

منابع

- ابدسایدی، ژیلا؛ اکبری صدیق، امیرعلی (۱۳۸۴). روش پژوهش پزشکی، تهران: نشر آب رنگ.
- ادیب حاجی باقری، محسن؛ سرور، پرویز؛ سلسالی، مهوش (۱۳۹۰). روش‌های پژوهش کیفی، تهران: نشر بشر.
- هاشمی، سهیلا (۱۳۹۳). «بررسی سبک‌های هویت و تعهد دانشجویان بر اساس الگوی ساخت هویت بروزنسکی و رابطه آن با خردمندی در فرآیند حل مسئله»، در: مطالعات روان‌شناختی، دوره دهم، ش ۱، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- Ardelt, M. (2000). "Intellectual versus Wisdom-related Knowledge: The Case for a Different Kind of Learning in the Later Years of Life", in: *Educational Gerontology*, 26: 771-789. doi: 10.1080/ 036012700300001421
- Ardelt, M. (2003). "Development and Empirical Assessment of a Three-dimensional Wisdom Scale", in: *Res. Aging*, 25: 275-324.
- Ardelt, M. (2011). "The Measurement of Wisdom: A Commentary on Taylor, Bates, and Webster's Comparison of the SAWS and 3D-WS", in: *Experimental Aging Research*, 37 (2): 241-255.
- Ardelt, M.; Achenbam, W. A. & Oh, H. (2014). "The Paradoxical Nature of Personal Wisdom and Its Relation to Human Development in the Reflective, Cognitive, and Affective Domains", In: M. Ferrari & N.

- Weststrate (Eds.), *The Scientific Study of Personal Wisdom*, New York: Springer.
- Baltes, P. B.; Staudinger, U. M. (2000). "Wisdom: A Metaheuristic (Pragmatic) to Orchestrate Mind and Virtue towards Excellence", in: *American Psychologist*, 55: 122–136. doi:10.1037/0003-066X.55.1.122
- Bluck, S.; Gluck, J. (2004). "Making Things Better and Learning a Lesson: Experiencing Wisdom across the Lifespan", in: *Journal of Personality*, 72: 543–72.
- Bluck, S.; Gluck, J. (2005). "From the Inside out: People's Implicit Theories of Wisdom", In: *A Handbook of Wisdom: Psychological Perspectives*, ed. R. J. Sternberg, J. Jordan, pp. 84–109, New York: Cambridge University Press.
- Brezina, I.; Ritomský, A. (2010). "Opinions of Culturally Diverse Sample of Asians on Wisdom", in: *Sociológia*, 42: 619-637.
- Brezina, I.; Vanoudenhoven, J. P. (2012). "Do National Cultures or Religions Shape Conceptions of Wisdom?", in: *Studia Psychologica*, 4 (54): 299-311.
- Brown, S. C. (2002). "A Model for Wisdom Development and its Place in Career Services", in: *Journal of Career Planning and Employment*, 62 (4): 29-36.
- Clayton, V. P.; Birren, J. E. (1980). "The Development of Wisdom across the Lifespan: a Reexamination of an Ancient Topic", In: *Life-Span Development and Behavior*, ed. P. B. Baltes, JOG Brim, pp. 103–35, New York: Academic.
- Colaizzi, P. F. (1978). "Psychological Research as the Phenomenologist Views it", In: R. S., Valle & M. King (Eds.), *Existential Phenomenological Alternatives for Psychology*, pp. 48-71.

- Denney, N. W.; Dew, J.; Kroupa, S. (1995). "Perceptions of Wisdom: What is Wisdom and Who Has it?" in: *Journal of Adult Development*, 2: 37–47.
- Ferrari, M.; Weststrate. N. M. (2013). *The Scientific Study of Personal Wisdom: From Contemplative Traditions to Neuroscience*, Dordrecht: Springer.
- Gluck, J.; Bischof, B.; Siebenhu"ner, L. (2012 forthcoming). "Knows What is Good and Bad," "Can Teach You Things," "Does Lots of Crosswords": Children's Knowledge about Wisdom, *European Journal of Developmental Psychology*. doi:10.1080/17405629.2011.631376
- Gl"uck, J.; Bluck, S. (2011). "Laypeople's Conceptions of Wisdom and its Development: Cognitive and Integrative Views", in: *Psychological Sciences*, available at: <http://www.psych.ufl.edu/lifestorylab/pdf/Gluck.Bluck.2011.Wisdom.full.pdf>
- Hall, G. S. (1922). *Senescence: The Last Half of Life*, New York: Appleton.
- Holliday, S. G.; Chandler, M. J. (1986). *Wisdom: Explorations in Adult Competence*, New York: Karger.
- Jason, L. A.; Reichler, A.; King, C.; Madsen, D.; Camacho, J.; Marchese, W. (2001). "The Measurement of Wisdom: a Preliminary Effort", in: *Journal of Community Psychology*, 29: 585–98.
- Konig, S.; Gluck. J. (2012). "Situations in Which I Was Wise: Autobiographical Wisdom Memories of Children and Adolescents", In: *Journal of Research on Adolescence, Society for Research on Adolescence*, DOI: 10.1111/j.1532-7795.
- Le, T.; Levenson, M. R. (2005). "Wisdom: What's Love (and Culture) Got to do with it?", in: *Journal of Research in Personality*, 39: 443–457, doi: 10.1016/j.jrp.2004.05.003

- Levenson, M. R. (2009). "Gender and Wisdom: The Roles of Compassion and Moral Development", in: *Research in Human Development*, 6: 45–59, doi:10.1080/15427600902782127
- Paulhus, D. L.; Wehr, P.; Harms, P. D.; Strasser, D. I. (2002). "Use of Exemplar Surveys to Reveal Implicit Types of Intelligence", *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28: 1051–62.
- Perlmutter, M.; Admas, C.; Nyquist, L.; Kaplan, C. (1988). Beliefs about wisdom, unpublished data (Cited in Orwoll & Perlmutter, 1990).
- Rosch, E. (2008). "Beginner's Mind: Paths to the Wisdom That is Not Learned", In: M. Ferrari & G. Potworowski (Eds.), *Teaching for wisdom* (pp. 43–62), Heidelberg, Germany: Springer.
- Ruisel, I. (2005). *Múdrosť v zrkadle vekov*, Bratislava: Pegas.
- Sowarka, D. (1989). "Weisheit und Weise Personen: Common-Sense-Konzepte "alterer Menschen [Wisdom and Wise Persons: Common-sense Views from Elderly People]", in: *Zeitschrift für Entwicklungspsychol. Und Pädagogische Psychol*, 21: 87–109.
- Staudinger, U. M.; Gluck, J. (2011). "Psychological Wisdom Research: Commonalities and Differences in a Growing Field", in: **Annual Review of Psychology**, 62: 215–41.
- Sternberg, R. (1998). "A Balance Theory of Wisdom", in: *Review of General Psychology*, 2 (4): 347-365.
- Sternberg, R. J. (1985). "Implicit Theories of Intelligence, Creativity, and Wisdom", In: *Journal of Personality and Social Psychology*, 49: 607–27.
- Sternberg, R. J. (2008). "The WICS Approach to Leadership: Stories of Leadership and the Structures and Processes that Support Them", in: *The Leadership Quarterly*, 19 (3): 360-371.

- Sternberg, R. J.; Lubart, T. I. (2001). "Wisdom and Creativity", In: J. E. Biren & K. W. Schaie (Eds.), *Handbook of the psychology of aging*, (pp. 500-522), Orlando, FL: Academic.
- Takahashi, M.; Bordia, P. (2000). "The Concept of Wisdom: A Cross-national Comparison", in: *International Journal of Psychology*, 35: 1-9.
- Takahashi, M.; Overton, W. F. (2005). "Cultural Foundations of Wisdom: An Integrated Developmental Approach", In: R. J. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A handbook of Wisdom: Psychological Perspectives* (pp. 32-60). Cambridge: Cambridge University Press
- Van Oudenhoven, J. P.; Blank, A.; Leemhuis, F.; Pomp, M.; Sluis, A. F. (2008). *Nederland deugt [The Netherlands are virtuous]* Assen: Van Gorcum.
- Webster, J. D. (2003). An Exploratory Analysis of a Self-Assessed Wisdom Scale. *Journal of Adult Development*, 10(1), 13-22.
- Yang, S. (2001). "Conceptions of Wisdom among Taiwanese Chinese", in: **Journal of Cross-Cultural Psychology**, 32: 662-80.
- Yang, S. (2013). "Wisdom and Good Lives: A Process Perspective", in: *New Ideas in Psychology*, 31 (3): 194-201.
- Yang, S. Y. (2008). "Real-life Contextual Manifestation of Wisdom", in: *International Journal of Aging and Human Development*, 67 (4): 273-303.
- Yang, S. Y. (2011). "Wisdom Displayed through Leadership: Exploring Leadership-related Wisdom", in: *The Leadership Quarterly*, 22: 616-632.
- Yang, S. Y. (2014). "Wisdom and Learning from Important and Meaningful Life Experiences", in: *Journal of Adult Development*, 21 (3): 129-146.